

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتک‌زدن همسر و مناظره‌ای سخیف!

آیا اسلام دستور به زدن همسران داده است؟!

نویسنده: د. سامی عامری

گزینش و ترجمه: «رد شبهات ملحدین»

کتک‌زدن همسر و مناظره‌ای سخیف!

نویسنده: د. سامی عامری

گزینش و ترجمه: «رد شبهات ملحدین»



no-atheism.net

[no_atheism](https://www.instagram.com/no_atheism)

[fb/islamway1434](https://www.facebook.com/fb/islamway1434)

[no_atheism](https://www.youtube.com/channel/UCno_atheism)

[aparat/asteira](https://www.aparat.com/asteira)



no-atheism.net

[no_atheism](https://www.instagram.com/no_atheism)

[fb/islamway1434](https://www.facebook.com/fb/islamway1434)

[no_atheism](https://www.youtube.com/channel/UCno_atheism)

[aparat/asteira](https://www.aparat.com/asteira)

کشیش «مرقس عزیز» تحت عنوان «زدن همسر حقیقت است نه افتراء!» می‌نویسد:

"در سوره‌ی نساء آمده است {والذین تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن فی المضاجع واضربوهن} النساء ۳۴-۳۳ کسی در پاسخ آمده و می‌گوید: این افتراء و دروغ است، زیرا قرآن کریم به حسن معامله‌ی با همسر فرمان داده و فرموده است: {وعاملوهن بالمعروف} نساء ۱۹. و کسی دیگر به او [یعنی آن‌که گفت دروغ است!] چنین پاسخ می‌دهد: سخن شما از ناحیه‌ی لغوی صحیح است، اما از ناحیه‌ی دینی و شرعی -که مهم‌تر است- صحیح نیست، چرا که آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی النساء که دستور به رفتار نیک با زنان داده، به آیه‌ای که دستور به ترک زنان در بستر و زدن داده، نسخ شده است! اسلام مقاطعه‌ی جنسی با همسر را با این‌که سلاحی بی‌رحمانه است مباح قرار داده، همان‌گونه که زدن همسر را برای مرد جائز شمرده، انگار که او از صنف بشر نیست، پس حقوق و مساوات کجاست؟!"

پاسخ:

پیش از این‌که پاسخ دهم، صادقانه می‌گویم که حاضر دار و ندار خود را ببخشم تا بدانم نوع مصحفی که جناب کشیش از آن نقل کرده چیست؛ او خیال کرده که آیه‌ی نوزدهم از سوره‌ی النساء می‌گوید: «وعاملوهن بالمعروف» با آن‌که در مصحفی که در تمام دنیا چاپ می‌شود، آمده است: {وعاشروهن بالمعروف}^۱ و پیش از این هم «والذین تخافون نشوزهن» نوشته بود، درحالی‌که آیه فرموده است: {واللاتی تخافون نشوزهن} و این موجب قحطی در جایی می‌شود که «گفتگوی ادیان»! نام گرفته، در حالی‌که هیچ گفتگویی در کار نیست!

اولاً. آیا عاقلی نیست که مسئول انکار بر مناظره‌کننده‌ی اول شود که سخنی کفرآمیز را بر زبان آورده و آیه‌ای از آیات قرآن کریم را تکذیب کرده است؟! اما مناظره‌کننده‌ی دوم، سخن زشت و باطلی را بر زبان رانده است و آیه‌ای را بی‌دلیل منسوخ گردانده، حال آن‌که هیچ تعارضی میان این دو آیه نیست!^۲ ابن جوزی رحمه الله در آنجا که به ذکر آیاتی که ادعای نسخ‌شان مطرح شده می‌پردازد و ادعای نسخ در بسیاری از این آیات را باطل کرده است، اصلاً آیه‌ی نوزدهم از سوره‌ی نساء را نیاورده است!

سباق این آیه در واجب‌بودن خوش‌رفتاری قاطع است، و اگر آن را تا انتها بخوانیم که فرموده است: {وعاشروهن بالمعروف فإن کرهتموهن فعسى أن تکرهوا شیئاً ویجعل الله فیہ خیرا کثیرا} می‌بینیم که در این‌جا دستور داده شده که هرچند زن عمل زشتی را مرتکب شد، باید بر او صبر

۱. النساء، آیه‌ی ۱۹: «و با زنان خود به طور شایسته (در گفتار و کردار) معاشرت کنید.»

۲. این از ترفندهای اهل باطل برای تلبیس بر غیر محققین است که پاسخ‌های ضعیفی را از جانب خصم مطرح کرده و خود پاسخ می‌دهند تا به خواننده این‌گونه القا کنند که خصم پاسخی برای این مطلب ندارد! (مترجم)

کرد و مانند همین در حدیث آمده است که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «هیچ مرد مؤمنی از هیچ زن مؤمنی بد نبرد، زیرا اگر اخلاقی از او را نمی‌پسندد، چیزی دیگر از او را می‌پسندد.»^۳ پس بنگر که چگونه جناب کشیش (خداوند او را به امانت هدایت کند) دستور اسلام به صبر بر آزار زن را به دستور اسلام به زدنش تحریف کرده است!

ثانیاً. جناب کشیش گفته که ترک‌کردن همسر در بستر، مجازاتی بی‌رحمانه است! مرد می‌خواهد همسرش را که مرتکب حرامی شده تأدیب کند، اما همسرش از اعتراف به مخالفت خود سرپیچی کرده، و از توبه نیز روی‌برگردانده است و مرد به تمامی راه‌های نرم تلاش کرده تا او را بازگرداند، اما باز هم همسرش ابا ورزیده و نصیحت را نپذیرفته است! پس چه راه‌هایی باقی مانده است؟!

ثالثاً. مناظره‌کننده (که خود جناب کشیش است!) می‌گوید که «اسلام زدن همسر را مباح گردانده، انگار که از صنف بشر نیست، پس حقوق و مساوات کجاست؟!» و در حقیقت در اینجا چندین مغالطه صورت گرفته است:

أ) خداوند فرموده است: {الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما أنفقوا من أموالهم فالصالحات قانتات للغيب بما حفظ الله واللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع واضربوهن فإن أطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا إن الله كان عليا كبيرا}^۴ و آیه درباره‌ی اباحه‌ی زدن زن ناشزه است، و در آن خبری از وجوب هم نیست. ب) حکم شرعی در جواز زدن، ارتباطی به تأدیب زن نیکوکار که کار بدی انجام نداده نیست! در نتیجه اشتباه بزرگیست که بگوییم: اسلام زدن همسر را جائز دانسته، بلکه باید گفت: اسلام تنها زدن همسر ناشزه گناه‌کار را جائز دانسته است!

۳. امام مسلم آن را در صحیح (۱۴۶۹) روایت کرده است: «لا يفرك مؤمن مؤمنة إن كره منها خلقا رضي منها آخر.»

۴. النساء، آیه‌ی ۳۴: «مردان بر زنان سرپرستند بدان خاطر که خداوند بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که از اموال خود (برای خانواده) خرج می‌کنند. پس زنان صالحه آنان هستند که فرمانبردار بوده و آسار را نگاه می‌دارند؛ چرا که خداوند به حفظ (آنها) دستور داده است. و زنانی را که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید، پند و اندرزشان دهید و (اگر مؤثر واقع نشد) از همبستری با آنان خودداری کنید و بستر خویش را جدا کنید آنان را بزنید. پس اگر از شما اطاعت کردند راهی برای (تنبیه) ایشان نجوئید (و نپوئید و بدانید که) بی‌گمان خداوند بلندمرتبه و بزرگ است.»

ت) اصل در ارتباطات میان مرد و همسرش بر نیکی‌کردن به همسر است، و نصوص متواتری هستند که به مدارا و نرمی دستور می‌دهند. خداوند فرموده است: **{وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا}**^۵

امام شافعی رحمته الله فرموده است: «مجموع نیکی این است که صاحب حق را از طلب حق خود معاف نمود، و اینطور نباشد که انگار از روی انجام وظیفه یا از روی کراهت و بی‌میلی آن حق ادا شود!»^۶

امام ذهبی رحمته الله فرموده است: «آن‌گاه که زن به اطاعت از همسر و رضایت‌خواهی از او دستور داده شده، مرد نیز دستور داده شده تا به او نیکی و لطف داشته باشد و اگر اخلاقی بد یا مانند آن از زن ظاهر شود، بر آن صبر نماید.»^۷

و امام ابن کثیر رحمته الله فرموده است: «الفتی بزرگ‌تر از آن‌چه بین زوجین است، میان دو روح وجود ندارد!»^۸

و در حدیثی از ابی هریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «خواهان رفتار نیک با زنان شوید؛ زیرا زن از دنده آفریده شده»^۹ و کج‌ترین بخش دنده، قسمت بالایی آن است. اگر خواسته باشی آن را راست کنی، می‌شکند و اگر بگذاری، همیشه کج است، پس در مورد زنان همدیگر را وصیت به خیر نمایید.»^{۱۰}

مناوی رحمته الله می‌فرماید: «مدارا کردن با بخشش و صبرکردن بر همسر که برای نزدیکی نفوس و ایجاد الفت میان دل‌ها باشد، در این حدیث مورد تشویق قرار گرفته است.»^{۱۱}

ث) مرد مؤمن از لحاظ شرعی مأمور شده تا از اشتباهات همسرش بگذرد و خطاهایش را ببخشد و اگر بعضی از اخلاق او موجب آزارش شود، به اخلاق‌های نیکویش بنگرد: «هیچ مرد

۵. سوره‌ی النساء، آیه‌ی ۱۹: «و با زنان خود به طور شایسته (در گفتار و در کردار) معاشرت کنید، و اگر هم از آنان (به جهاتی) کراهت داشتید (شتاب نکنید و زود تصمیم به جدائی نگیرید) زیرا که چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد.»

۶. أحكام القرآن، مکتبة الخانجي، ج ۱، ص ۲۰۴

۷. الکبائر، دار الندوة الجديدة، ص ۱۷۸

۸. تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیة، ج ۳، ص ۴۷۴

۹. در میان اهل علم در این‌که مقصود از آفریده‌شدن از دنده، حقیقی است یا آن‌که از باب تشبیه باشد، اختلاف نظر وجود دارد و جمعی معنای دوم را راجح می‌دانند، والله أعلم. (مترجم)

۱۰. متفق علیه؛ امام بخاری (۳۳۳۱) و امام مسلم (۱۴۶۸) آن را روایت کرده‌اند: «استوصوا بالنساء، فإن المرأة خلقت من ضلع، وإن أعوج شيء في الضلع أعلاه، فإن ذهب تقیمة کسرتة، وإن ترکته لم یزل أعوج، فاستوصوا بالنساء.»

۱۱. فیض القدیر، المکتبة التجارية الكبرى، المکتبة التجارية الكبرى، ج ۲، ص ۳۸۸

مؤمنی از هیچ زن مؤمنی بد نبرد، زیرا اگر اخلاقی از او را نمی‌پسندد، چیزی دیگر از او را می‌پسندد.»^{۱۲}

(ج) ایاس بن عبد الله رضی الله عنه می‌فرماید: «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: زنان را زنید. عمر رضی الله عنه خدمت آن حضرت آمده گفت: که زنان بر شوهران شان دلیر شدند. همان بود که رسول الله صلی الله علیه و آله در زدن‌شان اجازه فرمود. سپس زنان بسیاری به خانه‌های همسران ایشان آمده، از شوهران‌شان شکایت کردند، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: همانا زنان بسیاری به نزد اهل بیت محمد آمده، و از شوهران‌شان شکوه کرده‌اند؛ بدانید که آنان، بهترین‌های شما نیستند!»^{۱۳}

امام شافعی رحمه الله فرموده است: «بنابراین هم زدن و هم بخشش را قرار داده‌اند، اما خبر داده‌اند که بهترین مردم، زدن را ترک می‌کنند.»^{۱۴}

(ح) مردی که در جواز زدن همسرش حکم شرعی را گرفته است، مردیست که تمامی راه‌هایی که با نرمی همراه بوده را برای بازگرداندن همسرش به مسیر صحیح، امتحان کرده است. امام ابن جوزی رحمه الله می‌گوید: «جماعتی از اهل علم فرموده‌اند که آیه، امور را به طور مرتب ذکر کرده است؛ وقتی از نشوز او بترسد، او را پند داده و هر وقت نشوز ظاهر شود، هجر را امتحان کرده و اگر زن تکرار کند و لجابت به خرج دهد، او را می‌زند. زدن همسر در ابتدای نشوز شرعاً جائز نیست و قاضی أبو یعلی فرموده است: مذهب امام أحمد هم همین است.»^{۱۵}

(خ) زدنی که در آیه آمده، ضرب مبرح که به همراه شدت باشد نیست، بلکه زدن همسر با مسواک و مانند آن است که به بدن آسیبی نمی‌رساند، همانطور که از عطاء رضی الله عنه آمده است: «از ابن عباس پرسیدم که ضرب غیر مبرح چیست؟ گفت: او را به مسواک یا چیزی مانند آن می‌زند.»^{۱۶}

(د) ظلم به تمامی اشکالش در اسلام نهی شده است و زمانی که در مقابل کسی باشد که حق گرامی‌داشت و نیکی داشته باشد (مانند همسر)، نهی شدت می‌یابد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده

۱۲. پیش‌تر مصدر آن آمد.

۱۳. امام نسائی (۹۱۲۲) و امام أبو داود (۲۱۴۶) آن را در سنن خویش آورده‌اند: «عن إياس بن عبد الله بن أبي ذباب، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: لا تضربوا إماء الله. فجاء عمر إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: ذنن النساء على أزواجهن، فرخص في ضربهن، فأطاف بآل رسول الله صلى الله عليه وسلم نساء كثير يشكون أزواجهن، فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «لقد طاف بآل محمد نساء كثير يشكون أزواجهن ليس أولئك بخياركم.»، و اسناد آن صحیح است.

۱۴. الأم للشافعي، دار المعرفة، ج ۵، ص ۱۲۱

۱۵. زاد المسیر، دار الكتاب العربی، ج ۱، ص ۴۰۲

۱۶. تفسیر الطبري، مؤسسة الرسالة، ج ۸، ص ۳۱۴

است: «هرکس تازیانه‌ای از روی ظلم و ستم به کسی بزند، در روز قیامت از او قصاص گرفته می‌شود.»^{۱۷}

(ذ) رسول خدا ﷺ که کامل‌ترین مؤمنان و الگوی آنان هستند، چنان بوده‌اند که أم‌المؤمنین عائشه رضی الله عنها فرموده‌اند: «رسول خدا ﷺ هرگز چیزی و نه زن یا خادمی را به دست خویش نزدند.»^{۱۸}

نتیجه‌گیری:

از مجموع آنچه گذشت، فهمیده می‌شود که اسلام نه به زدن همسران دستور داده، و نه حتی آن را بر صبرکردن ترجیح داده است، و آنچه توسط معاندین مطرح می‌شود که «اسلام به زدن همسران دستور داده است!» از وجوه مختلفی دارای اشکال است و اساسی ندارد.

نویسنده: د. سامی عامری

گزینش و ترجمه: «رد شبهات ملحدین»

۱۷. امام طبرانی آن را در المعجم الأوسط (۱۴۴۵) روایت کرده است و اسناد آن حسن است: «من ضرب سوطا ظلما اقتص منه يوم القيامة.»

۱۸. امام مسلم آن را در صحیح خویش (۲۳۲۸) آورده است: «ما ضرب رسول الله صلى الله عليه وسلم شيئا قط بيده، ولا امرأة، ولا خادما...»